

نقد و بررسی شاخص طول در تاریخ‌گذاری قرآن با تأکید بر تحقیقات بلاشر

س. لاکزایی / دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه کاشان s_lakzaei1986@yahoo.com

جعفر نکونام / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم j.nekoonam@yahoo.com

دریافت: ۹۳/۵/۲۹ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۲

چکیده

تحقیقات صورت‌گرفته بر تاریخ‌گذاری قرآن از سوی بلاشر نشان می‌دهد که وی نیز همانند سایر خاورشناسان به روایات ترتیب نزول توجهی نداشته و براساس شاخص‌های سبک‌شناسی نظیر شاخص طول آیات و سوره به طبقه‌بندی چهار دوره‌ای از سوره قرآن براساس سه دوره مکی و یک دوره مدنی اقدام نموده است. پیش‌فرض او این است که با گذر رسالت، طول آیات و سوره افزوده می‌شده است. به طور طبیعی، این سؤال مهم جلب نظر می‌کند که بلاشر با چه دلیل و توجیهی از این شاخص در تاریخ‌گذاری بهره برده و اصولاً اعتبار و کارایی علمی این روش تا چه اندازه است؟ این پژوهش با روش توصیفی به نقد و بررسی معیار طول در تاریخ‌گذاری قرآن با تأکید بر تحقیقات بلاشر پرداخته است؛ در نهایت، استثنائاتی در این بین شناسایی گردید که از میزان اعتبار شاخص طول در تاریخ‌گذاری کاست.

کلیدواژه‌ها: شاخص طول، تاریخ‌گذاری قرآن، طبقه‌بندی بلاشر، مکی و مدنی، طبقه‌بندی آیات.

مقدمه

گرفته می‌شود، بر طول آیات و سوره‌ها افزوده می‌گردد. سؤالی که اینک مطرح است، این است که آیا شاخص طول با توجه به اینکه دلیل نقلی برای آن وجود ندارد، از اعتبار علمی برای تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی سوره‌های قرآن برخوردار است؟

قابل ذکر است که علاوه بر خاورشناسان، دانشمندان اسلامی نیز در لابه‌لای کتب علوم قرآن ضمن برشمردن شاخص‌های اجتهادی در تمییز سوره‌های مکی از مدنی به طول آیات و سوره‌ها استناد کرده‌اند. منتها از میزان اعتبار علمی این شاخص در تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی قرآن چندان سخن گفته نشده است. این پژوهش از این جهت که به نحو تفصیلی راجع به اعتبار علمی این شاخص در تحقیق بلاشر بحث می‌کند، حایز اهمیت دانسته می‌شود.

شایان ذکر است که طبقه‌بندی بلاشر همانند اسلافش، یعنی ویل و رودولف و نولدکه، چهارگانه است؛ یعنی آنان سوره‌های قرآن را در سه طبقه یا دوره مکی و یک طبقه یا دوره مدنی جای داده‌اند. نقاط تاریخی طبقه‌بندی آنان به این قرار است که از مبعث تا هجرت به حبشه را طبقه یا دوره اول مکی دانسته‌اند و از هجرت به حبشه تا خروج از شعب ابی‌طالب را طبقه یا دوره دوم مکی و از خروج از شعب ابی‌طالب تا هجرت به مدینه را دوره سوم مکی به‌شمار آورده و در نهایت، از هجرت به مدینه تا رحلت پیامبر ﷺ را به عنوان دوره چهارم که مدنی است، محسوب نموده‌اند (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

نظر به اینکه اعتبار و ارزش علمی شاخص طول از جمله شاخص‌های سبک‌شناختی در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن از سوی بلاشر به تفصیل مورد بررسی قرار نگرفته، این تحقیق، نو تلقی می‌شود.

قرآن کتابی است که برخلاف سایر کتب آسمانی، به تدریج و در طی بیست و سه سال بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ از این رو، بعکس دیگر کتب آسمانی قابلیت آن را دارد که واحدهای نزولش مورد مطالعه و تاریخ‌گذاری قرار گیرد. مضمون سوره‌های قرآن و نیز روایات اسباب نزول و ترتیب نزول، نشان می‌دهد قرآنی که هم‌اکنون در دست ماست، به ترتیب نزول تألیف نشده است. بی‌شک، تفسیر و ترجمه قرآن براساس ترتیب نزول می‌تواند، ما را به شناخت دقیق‌تر مراد آیه و روند نزول وحی‌ها و موضوعاتی نظیر ناسخ و منسوخ آن موفق گرداند؛ از این رو، قرآن‌پژوهان اعم از دانشمندان اسلامی و خاورشناسان تلاش‌های فراوانی برای کشف ترتیب و تاریخ‌گذاری سوره‌ها انجام داده‌اند.

دانشمندان اسلامی کمابیش ذیل موضوعاتی همچون ترتیب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و سیره نبوی از تاریخ نزول وحی‌ها سخن گفته و درباره روایات مربوط بحث کرده‌اند؛ اما خاورشناسان چندان به روایات روی خوشی نشان نداده‌اند. آنان به روایات ترتیب نزول کم‌ترین توجه را داشته‌اند و تا حدودی به روایات اسباب نزول، مکی و مدنی و سیره تکیه نموده‌اند. آنان بیش از روایات به شاخص‌های سبک‌شناختی مانند طول، نوع واژگان، نوع مضامین، نوع خطابات، لحن و آهنگ آیات و سوره‌ها توجه داشته‌اند. تلقی آنان این بوده است که این شاخص‌ها در هر دوره زمانی به گونه خاصی بوده است. در این میان، بلاشر با بهره‌گیری از تجارب دانشمندان پیش از خود از شاخص‌های مذکور نظیر شاخص طول به گونه کارآمدتری بهره برده است. تلقی او این بوده است که هرچه از مبعث پیامبر ﷺ و آغاز نزول قرآن فاصله

به این شاخص توجه نمی‌شود؛ زیرا تفاوت میان طول شعرها و نثرها در ادوار مختلف چندان مشهود نبوده است. برای نمونه، ملک‌الشعرای بهار یکی از وجوه افتراق میان نثر مرسل قرون سوم و چهارم و نثر بینابین قرون پنجم و ششم را اطناب جملات دانسته است. به گفته او، جملات در نثر مرسل به غایت موجز و مختصرند؛ اما در نثر بینابین جملات مفصل‌تر و طولانی‌تر شده‌اند (ر.ک: بهار، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۷)؛ اما این تفاوت معنادار نیست و به موجب آن، نمی‌توان گفت که نثرها هرچه بر آنها زمان می‌گذرد، طولانی‌تر می‌شوند. برای تاریخ‌گذاری یک متن، شاخص‌های مهم‌تری نظیر ترقیمه‌ها - ترقیم در لغت به معنای کتابت کردن، آراستن و نقطه نهادن خط می‌باشد (شاد، ۱۳۶۳، ص ۲: ذیل ترقیم) - وجود دارند و در صورتی که متن، فاقد ترقیمه و اشارات تاریخی باشد، به سبک‌شناسی متن روی آورده می‌شود. در این روی‌آوری نیز با دقت در مجموع شاخص‌های سبک‌شناسی و نه یک شاخص، می‌توان راجع به تاریخ پیدایش شعر و یا هر متن دیگر اظهار نظر نمود.

کاری که در تحقیق حاضر مورد اهتمام است، این است که شاخص طول آیات و سوره با تأکید بر تحقیق بلاشر در تاریخ‌گذاری قرآن نقد و بررسی شود. از جمله معیارهای بلاشر در تاریخ‌گذاری قرآن، توجه به طول آیات و سوره می‌باشد (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۲، ص ۶۸، ۶۷ و ۷۰)؛ با این تلقی که طول آیات و سوره همزمان با پیشرفت در مراحل چهارگانه وحی افزایش می‌یافته است (ر.ک: همان، ص ۴۵).

۲. دیدگاه‌های مطرح درباره شاخص طول آیات و

سوره در تاریخ‌گذاری

در زمینه اینکه آیا شاخص طول می‌تواند معیاری برای

سؤال اصلی مطرح در این تحقیق آن است که شاخص طول در تاریخ‌گذاری قرآن تا چه اندازه اعتبار دارد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، در ابتدا به پیشینه شاخص طول در تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته شده، سپس دیدگاه‌های مطرح درباره آن بیان گردیده است، آن‌گاه شاخص طول از منظر مهندس بازرگان و خاورشناسانی همچون ویل، نولدکه و رودول به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. پیشینه شاخص طول آیات و سوره در تاریخ‌گذاری قرآن

نویسندگان کتاب‌های تاریخ قرآن آنجا که ملاک‌های اجتهادی جهت تمییز سوره‌های مکی از مدنی را مطرح نموده‌اند به این شاخص اشاره نموده‌اند (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶؛ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۱ و ۵۰؛ رادمش، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱؛ صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۶۴). بازرگان هم از طول متوسط وحی‌ها برای تاریخ‌گذاری سخن گفته است (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۹). خاورشناسان نیز، برای طبقه‌بندی سوره‌های قرآن از شاخص‌های سبک‌شناسی از جمله طول آیات و سوره بهره برده‌اند (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۲، ص ۶۸، ۶۷، ۷۰، ۸۶؛ موتگمری وات، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۶؛ نولدکه، ۱۹۹۸، ص ۵۱؛ رودول، ۱۹۰۹، ص ۹).

علاوه بر کتب نوشته‌شده در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن که در ضمن آنها به طور قابل توجهی از شاخص طول بحث شده است، می‌توان از دو کتاب *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن* (نکونام، ۱۳۸۰) و *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن* (اسکندرلو، ۱۳۸۵) در این زمینه نام برد. در ضمن سبک‌شناسی ادبی نیز به شاخص طول اشاره‌ای رفته است؛ اما در تاریخ‌گذاری متون ادبی چندان

ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه
۱	اخلاص	۳۱۰	۳۶	ساعات	۴۷۰	۷۷	فصلت	۱۴/۲۸			
۲	عس	۳۱۱	۴۰	خاقه	۴۸۰	۷۸	کيف	۱۴/۵۹			
۳	اعلی	۳۱۲	۴۱	بروج	۴۸۶	۷۹	مومین	۱۴/۶۹			
۴	فارعه	۳۲۷	۴۲	مناج	۴۹۰	۸۰	هود	۱۴/۸۶			
۵	شمس	۳۳۱	۴۳	رحمن	۴۹۶	۸۱	ابراهيم	۱۴/۹۲			
۶	ناس	۳۳۳	۴۴	شمراء	۵/۶۵	۸۲	زمر	۱۵/۴۰			
۷	کونز	۳۳۳	۴۵	نجم	۵/۷۱	۸۳	منافقون	۱۵/۴۵			
۸	انتراج	۳۳۷	۴۶	قلم	۵/۷۷	۸۴	اعراف	۱۵/۵۷			
۹	لیل	۳۳۸	۴۷	دخان	۵/۸۱	۸۵	سبا	۱۵/۶۰			
۱۰	غاشیه	۳۳۸	۴۸	ذاریات	۵/۸۵	۸۶	یوسف	۱۵/۶۹			
۱۱	ماجون	۳۴۲	۴۹	حجر	۵/۸۹	۸۷	جمعه	۱۵/۷۳			
۱۲	ضحی	۳۴۵	۵۰	قدر	۶/۰۰	۸۸	انشال	۱۵/۶۴			
۱۳	نکاتر	۳۵۰	۵۱	طور	۶/۲۰	۸۹	شوری	۱۵/۶۴			
۱۴	مرسلات	۳۵۴	۵۲	قمر	۶/۲۶	۹۰	صف	۱۵/۶۴			
۱۵	تکویر	۳۵۵	۵۳	مزمل	۶/۳۶	۹۱	قصص	۱۵/۷۵			
۱۶	تین	۳۵۷	۵۴	نوح	۶/۵۰	۹۲	لقمان	۱۵/۸۲			
۱۷	قریش	۳۶۰	۵۵	دھر	۷/۶۴	۹۳	احقاف	۱۶/۰۰			
۱۸	عادیات	۳۶۴	۵۶	قی	۸/۱۵	۹۴	حج	۱۶/۱۵			
۱۹	طارق	۳۶۴	۵۷	ص	۸/۲۱	۹۵	یونس	۱۶/۳۱			
۲۰	علق	۳۷۲	۵۸	یس	۸/۳۰	۹۶	فاطر	۱۶/۴۸			
۲۱	همزه	۳۷۷	۵۹	مومنون	۸/۵۵	۹۷	احزاب	۱۶/۶۶			
۲۲	نازعات	۳۸۴	۶۰	طه	۹/۱۴	۹۸	آل عمران	۱۷/۰۰			
۲۳	واقعه	۳۸۸	۶۱	مریم	۹/۲۲	۹۹	حشر	۱۷/۰۰			
۲۴	انشقاق	۳۹۵	۶۲	زخرف	۹/۴۳	۱۰۰	انعام	۱۷/۸۶			
۲۵	بلد	۳۰۰	۶۳	جن	۹/۸۱	۱۰۱	حجرات	۱۸/۲۶			
۲۶	کافرون	۳۰۰	۶۴	بینه	۱۰/۰۰	۱۰۲	توبه	۱۸/۸۳			
۲۷	قیامت	۳۰۷	۶۵	انبیاء	۱۰/۱۳	۱۰۳	نصر	۱۹/۰۰			
۲۸	فاحجه	۳۱۴	۶۶	ملک	۱۱/۰۰	۱۰۴	حدید	۱۹/۰۲			
۲۹	نبا	۳۱۴	۶۷	فرقان	۱۱/۱۵	۱۰۵	فتح	۱۹/۰۳			
۳۰	انفال	۳۱۵	۶۸	نمل	۱۱/۸۶	۱۰۶	رعد	۱۹/۵۸			
۳۱	فجر	۳۲۲	۶۹	سجده	۱۲/۱۶	۱۰۷	نور	۱۹/۶۹			
۳۲	تبت	۳۲۴	۷۰	روم	۱۲/۲۵	۱۰۸	بقره	۲۰/۳۷			
۳۳	مدثر	۳۳۳	۷۱	چایه	۱۲/۶۰	۱۰۹	نساء	۲۱/۰۶			
۳۴	زوال	۳۵۰	۷۲	اسراء	۱۲/۶۲	۱۱۰	مجادله	۲۲/۱۹			
۳۵	طی	۳۶۰	۷۳	تائین	۱۲/۸۰	۱۱۱	تحریم	۲۲/۶۰			
۳۶	قیل	۳۶۰	۷۴	نحل	۱۲/۹۶	۱۱۲	مائده	۲۲/۹۰			
۳۷	مطففین	۳۶۴	۷۵	محمد	۱۲/۱۶	۱۱۳	طلاق	۲۳/۵۸			
۳۸	عسر	۳۶۴	۷۶	عنکبوت	۱۳/۱۷	۱۱۴	ممتحنه	۲۳/۸۲			

تاریخ‌گذاری قرآن باشد، به‌طورکلی دو دیدگاه وجود دارد: برخی از دانشمندان نظیر خاورشناسانی همچون ویل، نولدکه، رودول، بلاشر و مهندس بازرگان با الهام از کار بلاشر بر این باورند که شاخص طول در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری قرآن معتبر است (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰) و حتی بازرگان آن را از وجوه اعجاز قرآن برشمرده است؛ اما در مقابل، برخی همچون نگارندگان و آقای اسکندرلو بر این نظرند که هیچ دلیل عقلی یا نقلی در اعتبار این شاخص برای تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی قرآن وجود ندارد.

۲-۱. شاخص طول آیات و سوره در تاریخ‌گذاری

مهندس بازرگان

مهندس بازرگان در کتاب خود به نام *سیر تحول قرآن*، طول متوسط وحی‌های قرآن را مبنای تاریخ‌گذاری قرآن قرار داده است. مراد او از طول متوسط وحی‌ها، حاصل تقسیم کلمات وحی‌ها بر تعداد آیات است. او طول متوسط وحی‌ها را شاخص دقیقی برای تاریخ‌گذاری برمی‌شمرد؛ به آن دلیل که تعداد کلمات هر سوره متفاوت از دیگری است؛ ازاین‌رو، طول متوسط به‌دست‌آمده برای هر یک از سوره، اگرچه ممکن است، به هم نزدیک باشند، اما هیچ‌گاه مساوی نمی‌شوند؛ به‌همین‌رو، معیاری قابل اطمینان در تاریخ‌گذاری است (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹). بازرگان با این پیش‌فرض که طول متوسط آیات با پیشرفت زمان افزایش می‌یابد، در مواردی که برخی از آیات سوره‌ها دارای طول متوسط کمتر یا بیشتری است، آن آیات را متعلق به تاریخ‌های قبل‌تر یا بعدتر دانسته است (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰-۴۱ و ۴۷-۴۸). در زیر، جدول ترتیب نزول بازرگان آمده است.

جدول ۱: ترتیب نزول بازرگان به همراه طول متوسط سوره

مقایسه ترتیب بازرگان با ترتیب روایی نشان می‌دهد آن ترتیب با ترتیب روایی در بسیاری از موارد تفاوت فاحش دارد که در جدول ذیل نمایش داده شده است:

سوری که در ترتیب بازرگان مکی‌اند، درحالی‌که مدنی‌اند	سوری که در ترتیب بازرگان مدنی‌اند، درحالی‌که مکی‌اند	مقایسه با ترتیب روایی
محمد، بینه، منافقون، جمعه، تغابن، صف	قصص، لقمان، احقاف، یونس، فاطر، انعام، رعد	

جدول ۲: موارد تفاوت فاحش ترتیب بازرگان در مقایسه با

ترتیب روایی

ردیف	نام سوره	تعداد آیه	نام سوره	تعداد آیه	نام سوره	تعداد آیه	نام سوره	تعداد آیه
۱	کوثر	۳	لیل	۲۱	طاریات	۶۰		
۲	عصر	۳	بروج	۲۲	روم	۶۰		
۳	نصر	۳	مجادله	۲۲	نجم	۶۲		
۴	قریش	۴	حشر	۲۴	نور	۶۴		
۵	اخلاص	۴	اشقاق	۲۵	عنکبوت	۶۹		
۶	مسد	۵	غاشیه	۲۶	احزاب	۷۳		
۷	فلق	۵	نوح	۲۸	انفال	۷۵		
۸	لیل	۵	جن	۲۸	زمر	۷۵		
۹	قمر	۵	تکویر	۲۹	فرقان	۷۷		
۱۰	ناس	۶	فتح	۲۹	حج	۷۸		
۱۱	کافرون	۶	حدید	۲۹	رحمان	۷۸		
۱۲	ماعتون	۷	فجر	۳۰	یس	۸۳		
۱۳	فاتحه	۷	ملک	۳۰	غافر	۸۵		
۱۴	شرح	۸	سجده	۳۰	ص	۸۸		
۱۵	نکاتر	۸	انسان	۳۱	قصص	۸۸		
۱۶	تین	۸	لقمان	۳۴	زخرف	۸۹		
۱۷	تین	۸	احقاف	۳۵	نمل	۹۳		
۱۸	زلزله	۸	مطففین	۳۶	واقعه	۹۶		
۱۹	بینه	۸	جاثیه	۳۷	مریم	۹۸		
۲۰	همزه	۹	محمد	۳۸	حجر	۹۹		
۲۱	قارعه	۱۱	قیامت	۴۰	یونس	۱۰۹		
۲۲	ضحی	۱۱	نبا	۴۰	کهف	۱۱۰		
۲۳	عادیات	۱۱	عس	۴۲	اسراء	۱۱۱		
۲۴	مناقصون	۱۱	رعد	۴۳	یوسف	۱۱۱		
۲۵	جمه	۱۱	مجاد	۴۴	انبیاء	۱۱۲		
۲۶	تحریم	۱۲	فاطر	۴۵	مومنون	۱۱۸		
۲۷	طلاق	۱۲	ق	۴۵	مائده	۱۲۰		
۲۸	ممتحنه	۱۳	نازعات	۴۶	هود	۱۲۳		
۲۹	صف	۱۴	طور	۴۹	نحل	۱۲۸		
۳۰	شمس	۱۵	مرسلات	۵۰	توبه	۱۲۹		
۳۱	طارق	۱۷	حاقه	۵۲	طه	۱۳۵		
۳۲	حجرات	۱۸	قلم	۵۲	الانعام	۱۶۵		
۳۳	تاین	۱۸	ابراهیم	۵۲	نساء	۱۷۶		
۳۴	اعلی	۱۹	شوری	۵۳	صافات	۱۸۲		
۳۵	انقطار	۱۹	سیا	۵۴	ال عمران	۲۰۰		
۳۶	علق	۱۹	قمر	۵۵	اعراف	۲۰۶		
۳۷	بلد	۲۰	مدثر	۵۶	شعراء	۲۲۷		
۳۸	مزمل	۲۰	دخان	۵۹	بقره	۲۸۶		

بازرگان حتی وقتی ترتیب خود را با ترتیب بلاشر، که یکی از شاخص‌هایش در طبقه‌بندی سور، طول آیات بوده است، مقایسه نمود، دریافت که با آن نیز کمابیش اختلاف دارد. از سور طبقه اول ترتیب بلاشر، تنها ۵ سوره در ردیف‌های بعد از ۴۸ ترتیب بازرگان مشاهده می‌شود و از سوره‌های متعلق به طبقه دوم، یک سوره به چشم نمی‌خورد و شماره سوره‌ها غالباً نزدیک به هم هستند و سرانجام، در طبقه‌های سوم و چهارم که مشتمل بر ۲۲ و ۲۴ سوره هستند، ۷ سوره جابه‌جا شده‌اند (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰).

۲-۲. شاخص طول آیات و سور در تاریخ‌گذاری

ویل، نولدکه و رودول

علاوه بر بلاشر، مستشرقانی همچون گوستاو ویل (Gustav Weil)، رودول (Rodwell) و نولدکه (Theodor Noldeke) نیز به نظریه افزایش طول آیات با پیشرفت زمان گرایش پیدا کرده‌اند (ر.ک: مونتگمری وات، بی تا، ج ۵، ص ۴۱۶؛ نولدکه، ۱۹۹۸، ص ۵۱؛ رودول، ج ۹، ص ۱۹۰۹). اگرچه بلاشر، ویل، نولدکه و رودول به رشد طولی آیات و سور تصریح کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که هیچ‌یک، آن را در ترتیب خود به دقت اعمال ننموده‌اند. طول سوره‌ها را به دو صورت می‌توان محاسبه کرد: یکی طول ساده سوره که با شمارش تعداد آیات آن به دست می‌آید و دیگری طول میانگین سوره که با تقسیم تعداد کلمات آن بر تعداد آیات حاصل می‌شود. این دو صورت به ترتیب در جداول ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول ۳: سیر صعودی طول سور بر اساس شمارش تعداد آیات
بر طبق جدول ۳، سوره «کوثر» با سه آیه به عنوان کوتاه‌ترین سوره و سوره «بقره» با ۲۸۶ آیه به عنوان بلندترین سوره قرآن در نظر گرفته می‌شوند. اما از آنجاکه آیات از نظر تعداد کلمات با یکدیگر متفاوتند، معقول‌تر این است که طول هر سوره به عنوان میانگینی از طول آیات آن ارائه شود. بنابراین، راه دوم محاسبه طول یک سوره، استفاده از طول میانگین آن سوره می‌باشد که در جدول زیر آورده شده است:

ردیف	نام سوره	طول آیه	ردیف	نام سوره	طول آیه	ردیف	نام سوره	طول آیه
۱	عبس	۳/۱۶	۳۹	مطففین	۴/۶۹	۷۷	کهف	۱۴/۴۰
۲	قارعه	۳/۲۷	۴۰	صافات	۴/۷۵	۷۸	مومن	۱۴/۴۱
۳	کوثر	۳/۳۳	۴۱	معارج	۴/۹۳	۷۹	نحل	۱۴/۴۱
۴	ناس	۳/۳۳	۴۲	بروج	۴/۹۵	۸۰	فصلت	۱۴/۷۰
۵	شرح	۳/۳۷	۴۳	حاقه	۵/۰۰	۸۱	زمر	۱۵/۶۶
۶	لیل	۳/۲۸	۴۴	قلم	۵/۷۸	۸۲	هود	۱۵/۸۲
۷	ماعون	۳/۴۲	۴۵	نجم	۵/۸۰	۸۳	ابراهیم	۱۵/۹۶
۸	تکوتر	۳/۵۰	۴۶	شعراء	۵/۸۱	۸۴	جمعه	۱۶/۰۹
۹	غاشیه	۳/۵۳	۴۷	دخان	۵/۸۶	۸۵	صف	۱۶/۱۴
۱۰	تکویر	۳/۵۸	۴۸	ذاریات	۶/۰۰	۸۶	یوسف	۱۶/۱۸
۱۱	طارق	۳/۵۸	۴۹	قدر	۶/۰۰	۸۷	اعراف	۱۶/۲۱
۱۲	شمس	۳/۶۰	۵۰	قمر	۶/۲۱	۸۸	شوری	۱۶/۲۲
۱۳	مرسلات	۳/۶۲	۵۱	نصر	۶/۳۳	۸۹	لقمان	۱۶/۲۳
۱۴	ضحی	۳/۶۳	۵۲	طور	۶/۳۶	۹۰	قصص	۱۶/۳۵
۱۵	عادیات	۳/۶۳	۵۳	حجر	۶/۶۲	۹۱	سبأ	۱۶/۳۸
۱۶	همزه	۳/۶۶	۵۴	انسان	۷/۸۳	۹۲	حج	۱۶/۳۹
۱۷	اخلاص	۳/۷۵	۵۵	نوح	۸/۱۰	۹۳	منافقون	۱۶/۴۵
۱۸	اعلی	۳/۷۸	۵۶	ق	۸/۲۸	۹۴	انفال	۱۶/۵۷
۱۹	علق	۳/۷۸	۵۷	ص	۸/۳۵	۹۵	یونس	۱۶/۸۹
۲۰	نازعات	۳/۸۹	۵۸	یس	۸/۷۹	۹۶	فاطر	۱۷/۳۱
۲۱	واقعه	۳/۹۳	۵۹	مومنون	۸/۹۰	۹۷	آل عمران	۱۷/۵۰
۲۲	بلد	۴/۱۰	۶۰	زخرف	۹/۳۹	۹۸	احزاب	۱۷/۸۳
۲۳	قیامت	۴/۱۲	۶۱	مریم	۹/۸۹	۹۹	احقاف	۱۸/۴۵
۲۴	فاتحه	۴/۱۴	۶۲	مزل	۱۰/۰۰	۱۰۰	انعام	۱۸/۵۱
۲۵	تین	۴/۲۵	۶۳	طه	۱۰/۰۲	۱۰۱	حشر	۱۸/۵۸
۲۶	قریش	۴/۲۵	۶۴	جن	۱۰/۲۱	۱۰۲	فتح	۱۹/۳۱
۲۷	انفطار	۴/۲۶	۶۵	انبیاء	۱۰/۴۷	۱۰۳	توبه	۱۹/۴۱
۲۸	انشقاق	۴/۳۲	۶۶	ملک	۱۱/۱۰	۱۰۴	حجرات	۱۹/۶۱
۲۹	نبأ	۴/۳۵	۶۷	فرقان	۱۱/۶۳	۱۰۵	حدید	۱۹/۷۹
۳۰	کافرون	۴/۵۰	۶۸	بینه	۱۱/۷۵	۱۰۶	رعد	۱۹/۸۶
۳۱	زلزله	۴/۵۰	۶۹	سجده	۱۲/۴۰	۱۰۷	نور	۲۰/۵۹
۳۲	رحمن	۴/۵۱	۷۰	نمل	۱۲/۴۹	۱۰۸	تحریم	۲۱/۱۶
۳۳	مدثر	۴/۵۸	۷۱	جاثیه	۱۳/۱۸	۱۰۹	نساء	۲۱/۳۸
۳۴	فیل	۴/۶۰	۷۲	روم	۱۳/۶۱	۱۱۰	بقره	۲۱/۴۷
۳۵	مسد	۴/۶۰	۷۳	تغابن	۱۳/۸۳	۱۱۱	مجادله	۲۱/۵۴
۳۶	فلق	۴/۶۰	۷۴	اسراء	۱۴/۰۳	۱۱۲	مائده	۲۳/۶۵
۳۷	فجر	۴/۶۳	۷۵	عنکبوت	۱۴/۱۷	۱۱۳	طلاق	۲۴/۰۸
۳۸	عصر	۴/۶۶	۷۶	محمد	۱۴/۲۸	۱۱۴	ممتحنه	۲۷/۰۷

جدول ۴: سیر صعودی طول میانگین هر سوره (طول میانگین سوره = تعداد کلمات)

تعداد آیات

(روحانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۸۱).

با مقایسه اجمالی میان ترتیب نزول براساس سیر صعودی تعداد آیات و طول میانگین آیات (جداول ۳ و ۴)، مشاهده می‌شود ترتیب خاورشناسان چندان شباهتی با ترتیب سوره‌ها براساس شاخص طول ندارد.

مقایسه میان ترتیب‌های آنان با ترتیب روایی مشهور - طبق اکثر روایات ترتیب نزول، ۸۶ سوره مکی و ۲۴ سوره مدنی‌اند؛ سوره‌های مدنی عبارتند از بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، زلزله، حدید، محمد، رعد، رحمن، انسان، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، تغابن، صف، فتح، مائده و توبه - نیز نشان می‌دهد با آن در مواردی اختلاف فاحش دارند؛ چنان‌که بعضی از سوره مکی در بخش مدنی و برخی از سوره‌های مدنی در بخش مکی قرار گرفته‌اند.

۴۰	واقعه	طور	قیامت	فیل	جن	صافات
۴۱	غاشیه	واقعه	مطففین	فجر	یس	معاذ
۴۲	طور	معاذ	حافه	بروج	فرقان	بروج
۴۳	حافه	رحمن	ذاریات	اخلاص	فاطر	حافه
۴۴	مطففین	اخلاص	طور	کافرون	مریم	قلم
۴۵	زلزله	کافرون	واقعه	فاتحه	طه	نجم
۴۶	فاتحه	فلق	نجم	فلق	واقعه	شعراء
۴۷	ذاریات	ناس	معاذ	ناس	شعراء	دخان
۴۸	یس	فاتحه	رحمن	ذاریات	نمل	ذاریات
۴۹	ق	قمر	قمر	قمر	قصص	قدر
۵۰	قمر	صافات	صافات	قلم	اسراء	قمر
۵۱	دخان	نوح	نوح	صافات	یونس	نصر
۵۲	مریم	انسان	انسان	نوح	هود	طور
۵۳	طه	دخان	دخان	دخان	یوسف	حجر
۵۴	انبیاء	ق	ق	ق	حجر	انسان
۵۵	مومنون	طه	طه	طه	انعام	نوح
۵۶	فرقان	شعراء	شعراء	شعراء	صافات	ق
۵۷	شعراء	حجر	حجر	حجر	لقمان	ص
۵۸	ملک	مریم	مریم	مریم	سیا	یس
۵۹	صافات	ص	ص	ص	زمر	مومنون
۶۰	ص	زخرف	زخرف	یس	غافر	زخرف
۶۱	زخرف	زخرف	زخرف	زخرف	فصلت	مریم
۶۲	نوح	جن	جن	جن	شوری	مزل
۶۳	رحمن	ملک	ملک	ملک	زخرف	طه
۶۴	حجر	مومنون	مومنون	مومنون	دخان	جن
۶۵	انسان	انبیاء	انبیاء	انبیاء	جاثیه	انبیاء
۶۶	اعراف	فرقان	فرقان	فرقان	احقاف	ملک
۶۷	جن	اسراء	اسراء	نمل	ذاریات	فرقان
۶۸	فاطر	نمل	نمل	کھف	غاشیه	بینه
۶۹	نمل	کھف	کھف	سجده	کھف	سجده
۷۰	قصص	سجده	سجده	فصلت	نحل	نمل
۷۱	اسراء	فصلت	فصلت	جاثیه	نوح	جاثیه
۷۲	یونس	جاثیه	جاثیه	اسراء	ابراھیم	روم
۷۳	هود	نحل	نحل	نحل	انبیاء	تغابن
۷۴	یوسف	روم	روم	روم	مومنون	اسراء
۷۵	انعام	هود	هود	هود	سجده	عنکبوت
۷۶	لقمان	ابراھیم	ابراھیم	ابراھیم	طور	محمد
۷۷	سیا	یوسف	یوسف	یوسف	ملک	کھف
۷۸	زمر	مومن	مومن	مومن	حافه	مومن
۷۹	مومن	قصص	قصص	قصص	معاذ	نحل
۸۰	سجده	زمر	زمر	زمر	نبأ	فصلت
۸۱	شوری	عنکبوت	عنکبوت	عنکبوت	نازعات	زمر
۸۲	جاثیه	لقمان	لقمان	لقمان	انفطار	هود
۸۳	احقاف	شوری	شوری	شوری	انشقاق	ابراھیم
۸۴	کھف	یونس	یونس	یونس	روم	جمعه

سوره	سوره	سوره	سوره	سوره	سوره	سوره
۱	علق	علق	علق	علق	علق	عبس
۲	مدثر	مدثر	مدثر	مدثر	قلم	قارعه
۳	مزل	تبت	مزل	قریش	مزل	کوثر
۴	قریش	قریش	ضحی	ضحی	مدثر	ناس
۵	تبت	کوثر	شرح	شرح	فاتحه	شرح
۶	نجم	همزه	فلق	عصر	مسد	لیل
۷	تکویر	ماعتون	ناس	شمس	تکویر	ماعتون
۸	قلم	تکاتر	فاتحه	دین	اعلی	تکاتر
۹	اعلی	فیل	کوثر	طارق	لیل	غاشیه
۱۰	لیل	لیل	اخلاص	تین	فجر	تکویر
۱۱	فجر	بلد	مسد	زلزله	ضحی	طارق
۱۲	ضحی	شرح	کافرون	قارعه	شرح	شمس
۱۳	شرح	ضحی	همزه	عادیات	عصر	مرسلات
۱۴	عصر	قمر	ماعتون	لیل	عادیات	ضحی
۱۵	عادیات	طارق	تکاتر	انفطار	کوثر	عادیات
۱۶	کوثر	شمس	لیل	اعلی	تکاتر	همزه
۱۷	تکاتر	عبس	قلم	عبس	ماعتون	اخلاص
۱۸	دین	قلم	بلد	تکویر	کافرون	اعلی
۱۹	کافرون	اعلی	فیل	انشقاق	فیل	علق
۲۰	فیل	تین	قریش	نازعات	فلق	نازعات
۲۱	فلق	عصر	بینه	غاشیه	ناس	واقعه
۲۲	ناس	بروج	طارق	طور	توحید	بلد
۲۳	اخلاص	مزل	شمس	واقعه	نجم	قیامت
۲۴	عبس	قارعه	عبس	حافه	عبس	فاتحه
۲۵	قدر	زلزله	اعلی	مرسلات	قدر	تین
۲۶	شمس	انفطار	تین	نبأ	شمس	قریش
۲۷	بروج	تکویر	عصر	قیامت	بروج	انفطار
۲۸	بلد	نجم	بروج	رحمن	تین	انشقاق
۲۹	تین	انشقاق	قارعه	قدر	قریش	نبأ
۳۰	قارعه	عادیات	زلزله	نجم	قارعه	کافرون
۳۱	قیامت	نازعات	انفطار	تکاتر	قیامت	زلزله
۳۲	همزه	مرسلات	تکویر	معاذ	همزه	رحمن
۳۳	مرسلات	نبأ	انشقاق	مزل	مرسلات	مدثر
۳۴	طارق	غاشیه	عادیات	انسان	ق	فیل
۳۵	معاذ	فجر	مطففین	بلد	مسد	مسد
۳۶	نبأ	قیامت	مرسلات	تبت	طارق	فلق
۳۷	نازعات	مطففین	نبأ	کوثر	قمر	فجر
۳۸	انفطار	حافه	غاشیه	همزه	ص	عصر
۳۹	انشقاق	ذاریات	فجر	بلد	اعراف	مطففین

گفتنی است که این چهار سوره در ترتیب روایی مشهور از سوره‌های مدنی برشمرده شده‌اند؛ اما در برخی از روایات یا نظریات مفسران، سوره‌های یادشده به دلیل شباهت اسلوب و مضمون از جمله سوره‌های مکی محسوب شده‌اند (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۶، ص ۱۰۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۹۲؛ ج ۴، ص ۳۳۰؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۹۳ و ۲۹۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۲؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۷۳). باید افزود که براساس ترتیب طولی از یک‌سو، سوره‌های مدنی «تغابن»، «بینه»، «جمعه»، «محمد»، «نصر» و «صف» در بخش سور مدنی یعنی ۲۴ سوره انتهای ترتیب قرار نمی‌گیرند و از سوی دیگر، سوره‌های مکی «سبأ»، «یونس»، «فاطر»، «احقاف»، «انعام» و «رعد» در بخش سور مدنی قرار می‌گیرند.

نتیجه آنکه طبق چینش طولی (جدول ۵) همه سوره‌های مکی در ۹۰ سوره اول و تمامی سوره‌های مدنی نیز در ردیف ۹۱ به بعد جای نمی‌گیرند؛ به این ترتیب، آشکار می‌گردد که طول ساده یا متوسط سوره‌ها نمی‌تواند معیار دقیقی برای شناخت مکی و مدنی سوره‌های قرآن به حساب آید. بنابراین، شاخص طول که خاورشناسان به آن تکیه بیشتری نموده‌اند، نمی‌تواند معیاری برای تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی سوره‌های قرآن به شمار آید.

۳. بلاشر و شاخص طول آیات و سوره در تاریخ‌گذاری قرآن

بلاشر از برجسته‌ترین خاورشناسانی است که در زمینه تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی قرآن تحقیقاتی را به انجام رسانده است. وی در تاریخ‌گذاری قرآن، به شاخص‌های سبک‌شناختی نظیر طول، نوع واژگان، نوع مضامین، نوع خطابات، میزان اسلوب‌های تصویری و لحن و آهنگ به

۸۵	نخل	سبأ	سبأ	سبأ	عنکبوت	صف
۸۶	ابراهیم	فاطر	فاطر	فاطر	مطففین	یوسف
۸۷	فصلت	اعراف	اعراف	اعراف	بقره	اعراف
۸۸	روم	احقاف	احقاف	احقاف	انفال	شوری
۸۹	عنکبوت	انعام	انعام	انعام	آل عمران	لقمان
۹۰	رعد	رعد	رعد	رعد	احزاب	قصص
۹۱	تغابن	بقره	بقره	بقره	ممتحنه	سبأ
۹۲	بقره	بینه	قدر	قدر	نساء	حج
۹۳	بینه	تغابن	تغابن	تغابن	زلزله	منافقون
۹۴	جمعه	جمعه	جمعه	جمعه	حدید	انفال
۹۵	طلاق	انفال	انفال	انفال	محمد	یونس
۹۶	حج	محمد	محمد	محمد	رعد	فاطر
۹۷	نساء	آل عمران	آل عمران	آل عمران	رحمن	آل عمران
۹۸	انفال	صف	صف	صف	انسان	احزاب
۹۹	محمد	حدید	حدید	حدید	طلاق	احقاف
۱۰۰	حدید	نساء	نساء	نساء	بینه	انعام
۱۰۱	آل عمران	طلاق	طلاق	طلاق	حشر	حشر
۱۰۲	حشر	حشر	حشر	حشر	نصر	فتح
۱۰۳	نور	احزاب	احزاب	احزاب	نور	توبه
۱۰۴	منافقون	منافقون	منافقون	منافقون	حج	حجرات
۱۰۵	احزاب	نور	نور	نور	منافقون	حدید
۱۰۶	فتح	مجادله	مجادله	مجادله	مجادله	رعد
۱۰۷	نصر	حج	حج	حج	حجرات	نور
۱۰۸	صف	فتح	فتح	فتح	تحریم	تحریم
۱۰۹	ممتحنه	تحریم	تحریم	تحریم	جمعه	نساء
۱۱۰	مجادله	ممتحنه	ممتحنه	ممتحنه	تغابن	بقره
۱۱۱	حجرات	نصر	نصر	نصر	صف	مجادله
۱۱۲	تحریم	حجرات	حجرات	حجرات	فتح	مائده
۱۱۳	توبه	توبه	توبه	توبه	مائده	طلاق
۱۱۴	مائده	مائده	مائده	مائده	توبه	ممتحنه

جدول ۵: مقایسه ترتیب‌های خاورشناسان نظام چهار طبقه با همدیگر و ترتیب روایی و طول میانگین سوره

طبق ترتیب روایی، قریب ۹۰ سوره مکی‌اند؛ بنابراین، یکی از راه‌های بررسی صحت و سقم ترتیب‌های خاورشناسان این است که ۹۰ سوره اول که در ترتیب آنها آمده، بایستی مکی و بقیه، یعنی ۲۴ سوره باقی‌مانده، مدنی باشند؛ با مقایسه می‌توان دریافت که ترتیب‌های ویل، نولدکه، رودول و بلاشر تمامی سور مدنی ترتیب روایی را دارند؛ منتها رودول سوره «قدر» را به جای سوره «بینه» مدنی دانسته است.

شایان ذکر است سور مدنی در ترتیب بلاشر دقیقاً همان سوره‌های ترتیب نولدکه است. نیز هر چهار خاورشناس در ردیف سوره‌های «جمعه»، «حشر»، «منافقون»، «توبه» و «رعد» اتفاق نظر داشته‌اند. همین‌طور همه آنان سوره‌های «زلزله»، «رعد»، «رحمن» و «انسان» را مکی دانسته‌اند.

دوره اول	دوره دوم		دوره سوم		دوره مدنی	
	سوره	آیه	سوره	آیه	سوره	آیه
۱	علق (۱-۵)	۶۶	نبا	۵۰	تاریات	۶۱
۲	مدر (۱-۷)	۲۷	قیامت	۵۱	قمر	۶۲
۳	فریش	۲۸	رحمن	۵۲	قلم	۶۳
۴	ضحی	۲۹	قدر	۵۳	صافات	۶۴
۵	شرح	۳۰	نجم	۵۴	نوح	۶۵
۶	عصر	۳۱	تکواتر	۵۵	دخان	۶۶
۷	شمس	۳۲	علق (۸-۱۹)	۵۶	ق	۶۷
۸	ماعون	۳۳	مراغ	۵۷	طه	۶۸
۹	طارق	۳۴	مزل	۵۸	شراء	۶۹
۱۰	تین	۳۵	انسان	۵۹	حجر	۷۰
۱۱	زلزله	۳۶	مدر (۲۰-۲۵)	۶۰	مریم	۸۱
۱۲	قارعه	۳۷	مطفین	۶۱	ص	۸۲
۱۳	عادیات	۳۸	مسد	۶۲	یس	۸۳
۱۴	لیل	۳۹	کوثر	۶۳	زخرف	۸۴
۱۵	انفطار	۴۰	همزه	۶۴	جن	۸۵
۱۶	ابلی	۴۱	بلد	۶۵	ملک	۸۶
۱۷	عس	۴۲	قل	۶۶	مؤمنون	۸۷
۱۸	تکویر	۴۳	فجر	۶۷	انبیاء	۸۸
۱۹	انشقاق	۴۴	بروج	۶۸	فرقان	۸۹
۲۰	نارعات	۴۵	احلام	۶۹	نمل	۹۰
۲۱	غاشیه	۴۶	کافرون	۷۰	کهف	۹۱
۲۲	طور	۴۷	فاتحه	۷۱	انعام	۹۲
۲۳	واقعه	۴۸	فلق	۷۲	رعد	۹۳
۲۴	حافه	۴۹	ناس	۷۳		
۲۵	مرسلات	۵۰				

جدول ۶: ترتیب نزول بلاشر

گفتنی است که بلاشر در جایی از کتابش ضمن معرفی خاورشناسان و تقسیم‌بندی‌های آنان، تنها معیار و شاخص قابل اطمینان در تاریخ‌گذاری را تنها خود قرآن معرفی نموده (بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۲۷۷) و شهادت سنت را تنها در جهت تأیید اطلاعات و نه تکمیل آنها پذیرفته است (همان، ص ۲۷۹) حتی در جایی دیگر پا را فراتر نهاده، روایات را بکلی رد و موافقت خود را با ویل (Gustav weil) مبنی بر عدم اعتماد به وقایع‌نگاری اسلامی در تقسیم‌بندی اعلام می‌کند (همان، ص ۲۷۷).

با این حال، بررسی تطبیقی ترتیب او با ترتیب طولی و نیز ترتیب روایی نشان می‌دهد که او شاخص طول را به طور کامل در طبقه‌بندی خود، اساس قرار نداده است. از بررسی ترتیب سوره‌ها در طبقه‌بندی بلاشر نکات ذیل حاصل می‌شود:

(الف) دو قسمتی ساختن سوره‌های علق و مدثر: بلاشر بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای هر یک از دو سوره «علق» و «مدثر»

کار رفته در آیات و سوره تکیه کرده است. از جمله شاخص‌هایی که این مستشرق فرانسوی در طبقه‌بندی چهارگانه خود به کار گرفته، طول آیات سوره‌هاست. از نظر بلاشر، طول آیات در دوره اول عموماً مرکب از شش تا ده هجاست (بلاشر، ۱۳۷۲، ص ۶۷) و این تعداد در دوره‌های دوم (همان، ص ۷۰) و سوم (همان، ص ۶۸) به ۴۰ تا ۱۳۰ هجا افزایش می‌یابد و در مرحله چهارم چنان افزایش پیدا می‌کند که آیه دوازده سطری هم به چشم می‌خورد (همان، ص ۸۶). گفتنی است که مراد از هجا همان سیلاب در انگلیسی یا بخش در زبان فارسی است. هجا معمولاً بزر تر از حرف و کوچک‌تر از کلمه است و ملاک آن، عبارت از هر تعداد حروف صامتی است که با یکی از مصوت‌ها خوانده می‌شود. گاهی با یک مصوت یک صامت خوانده می‌شود و گاهی دو صامت؛ مانند «حَلَقٌ» که شامل دو هجاست و در هجای اول یک صامت یعنی «حَ» و در هجای دوم، دو صامت، یعنی «لَقٌ» خوانده می‌شود.

به باور بلاشر، آیات سوره‌ها در هر مرحله نسبت به مرحله قبل از نظر تعداد هجا طولانی‌تر و یا دست‌کم مساوی‌اند. گفته بلاشر در تعیین هجای آیات در هر دوره امری بعید می‌نماید؛ از این نظر که تعیین هجاهای کل آیات و سوره قرآن بسیار مشکل است و خود چندین سال به طول می‌انجامد. در این راه، شمارش هجای دسته‌ای از آیات هم کارگشا نیست؛ چراکه آیات قرآن از نظر تعداد هجا یکسان نیستند تا مشتم نمونه خروار باشد. بنابراین، سنجش طول هر سوره براساس شمارش هجای آیات معقول به نظر نمی‌رسد؛ در نتیجه، واحد شمارش را باید کمی بزر تر (نظیر تعداد کلمات) در نظر گرفت و در این راه طول میانگین که از تقسیم تعداد کلمات یک سوره بر تعداد آیات آن به دست می‌آید رقمی واقعی‌تر به دست می‌دهد (جدول ۴).

بلاشر سوره قرآن را در چهار مرحله زیر سامان می‌دهد:

۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۷). البته نظر مشهور شیعه بر مدنی بودن سوره «انسان» است.

د) **قرار گرفتن سوره‌های نصر، بینه، تغابن، محمد، جمعه، صف در میان سوره‌های مکی در ترتیب طولی:** این شش سوره به لحاظ کوتاهی طول در ترتیب طولی در میان نود سوره نخست قرار می‌گیرد که نوعاً باید مکی باشند؛ اما در ترتیب‌های روایی و بلاشر در میان سوره‌های مدنی واقع شده‌اند.

این نیز شاهد دیگری است که بلاشر تنها بر پایه شاخص طول به طبقه‌بندی سوره‌های قرآن نپرداخته است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های صورت‌گرفته پیرامون اقوال و ترتیب‌های مطرح‌شده در تاریخ‌گذاری قرآن با محوریت شاخص طول آیات و سور نشان داد که در هر مورد استثنائاتی به میان می‌آید که کلیت آن را زیر سؤال می‌برد. به علاوه، این شاخص در مواردی با روایات ترتیب نزول و مضامین سوره‌ها نیز تطابق ندارد؛ در چنین شرایطی، معتبرترین شاخص برای تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی سوره‌های قرآن، مضامین تاریخ‌دار آن می‌باشد. منتها نظر بر اینکه چنین مضامینی در قرآن بسیار کم است، دانشمندان اسلامی و خاورشناسان ناگزیر شدند به شاخص‌های دیگری مثل شاخص طول سوره‌ها یا آیات قرآن روی بیاورند.

را دارای دو واحد نزول دانسته و در فاصله‌های جدا از هم آورده است. آیات ۵-۱ سوره «علق» را در آغاز طبقه اول و بقیه آیات این سوره را در ردیف سی و دوم قرار داده است. نیز آیات ۷-۱ سوره «مدثر» را بعد از پنج آیه اول سوره «علق» و بقیه آیات این سوره را در ردیف سی و ششم جای داده است. این در حالی است که میان دو قسمت مذکور سوره‌های یادشده، پیوستگی وجود دارد. آیه ششم سوره «علق» با «کلاً» شروع شده و بر عرب‌زبانان آشکار است که هیچ کلام مستقلی در زبان عربی اعم از شعر و نثر با این حرف آغاز نمی‌شود و این خود حاکی از پیوستگی آیه ششم با آیات قبل است. نیز آیه هشتم سوره «مدثر» با «فاء» عطف آغاز شده است و این در حالی است که این حرف نیز هرگز در ابتدای یک کلام مستقل در زبان عربی واقع نمی‌شود و به وضوح از پیوستگی با آیات ماقبل حکایت می‌کند.

ب) **اعمال نشدن شاخص طول در ترتیب بلاشر:** طبق ترتیب طولی، یعنی ترتیب سوره‌ها براساس طول سوره، باید سوره‌های آغاز ترتیب کوتاه‌ترین سور باشند. با این حال - برای مثال - ملاحظه می‌شود سوره‌های «عبس»، «قارعه»، «کوثر» و «ناس» که کوتاه‌ترند، در ترتیب بلاشر از سوره‌های «علق»، «مدثر»، «قریش» و «ضحی» مؤخرتر آمده‌اند (ر.ک: جدول ۴).

ج) **قرار گرفتن سوره‌های زلزله، رعد، انسان و رحمن در میان سوره‌های مکی در ترتیب بلاشر:** این سوره‌ها در ترتیب مشهور روایی جزو سوره‌های مدنی‌اند؛ اما آنها، هم در ترتیب طولی و هم در ترتیب بلاشر جزو سوره‌های مکی آمده‌اند. البته این سوره‌ها به لحاظ طول در میان سوره‌های مکی که نوعاً کوتاه‌ترند، قرار می‌گیرند. برخی از مفسران نظیر محمد عزه دروزه این سوره‌ها را به لحاظ مضامین نیز جزو سوره‌های مکی برشمردند (ر.ک: دروزه،

Blacher, 1949, *le coran*, v. 12.

Noldeke, Theodor, 1998, *The Koran, The origins of the koran*, ed. by Ibn Warraq.

Rodwell, J.M., 1909, *The Koran Dent*, London.

منابع

ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

اسکندرلو، محمد جواد، ۱۳۸۵، *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

بازرگان، مهدی، ۱۳۸۶، *سیرت‌حول قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بلاشر، ۱۳۷۲، *درآمدی بر قرآن*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، ارغنون. بلاشر، رژی، ۱۳۷۴، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، چ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بهار، محمد تقی، ۱۳۷۳، *سیک‌شناسی*، چ دوم، تهران، امیرکبیر. دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ق، *التفسیر الحسینیه*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.

رادمنش، سید محمد، ۱۳۷۴، *آشنایی با علوم قرآنی*، چ چهارم، تهران، علوم نوین.

رامیار، محمود، ۱۳۶۹، *تاریخ قرآن*، چ سوم، تهران، امیرکبیر.

روحانی، محمود، ۱۳۶۸، *المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)*، چ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی.

سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

شاد، محمد پادشاه بن غلام محیی‌الدین، ۱۳۶۳، *فرهنگ جامع فارسی (آندراج)*، چ دوم، بی‌جا، کتابفروشی خیام.

صالح، صبحی، ۱۳۷۲، *مباحث فی علوم القرآن*، چ پنجم، قم، شریف رضی.

قاسمی، محمد جمال‌الدین، ۱۴۱۸ق، *محاسن التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، چ پنجم، تهران، سمت. نکونام، جعفر، ۱۳۸۰، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران، هستی‌نما.

Blacher, Regis, 1991, *Introduction au coran*, ed.

Maisonneuve et Larose.